

خطبه های نماز جمعه مورخه 1396/06/10

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذي سمي في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم ونفسي بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

خدای متعال وقتی حضرت آدم عليه السلام را در بهشت قرار داد به وی فرمود: «يا آدمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَّا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» که این جمله دو بار در قرآن آمده است.

می فرماید یا آدم در این باغ همراه همسرت سکونت کن و هر چه می خواهید از این باغ استفاده کنید ولی فقط به این درخت نزدیک نشوید که به خودتان ستم می کنید.

این آیه شریف چند نکته را برای ما بیان می کند اول این که اولین جایگاه پدر ما حضرت آدم عليه السلام بهشت بود. دوم این که آزادی آنها برای استفاده از نعمتها زیاد بود و مجاز بودند از همه آن نعمتها استفاده کنند.

سوم این که فقط یک چیز برای حضرت آدم و زنش ممنوع بود.

با این وضع نتیجه چه شد «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ»

خدای متعال که مفصل داستان حضرت آدم و شیطان را در قرآن نقل می کند پس از نقل این داستان که بسیار برای ما آموزنده است می فرماید: «يا بنى آدمَ لا يفتننكم الشيطانُ كما أخرجَ أبويكم من الجنةِ» ما در بهشت قرار داریم. فطرت ما پاک است و اگر شیطان نفوذ کند زحمتی نیست ولی او تلاش می کند ما را بفریبد و از بهشتی که هستیم خارج کند.

عمل به واجبات و همچنین عمل به محرمات زحمت دارد. خدای متعال می فرماید کمتر زحمت بکش و کار حرام که زحمت دارد انجام نده. چرا به خودت این زحمت را می دهی که از دیوار مردم بالا بروی و یا غیبت کسی را بکنی و یا آبروی کسی را بریزی.

عرض می کنیم خدایا می دانید که انجام دادن حرام زحمت دارد و لی لذت هم دارد و لذتش بیش از زحمتش است. خوردن مال مردم زحمت دارد ولی لذت هم دارد.

نگاه کردن به ناموس مردم و دنبال نامحرم رفتن زحمت دارد ولی لذت هم دارد.

ولی این واجبات فقط زحمت دارد و هیچ لذتی ندارد.

خدای متعال می فرماید اولاً گناه لذت هم داشته باشد به دنبالش عذاب است. لذت موقتی و عذاب ابدی و یا بسیار طولانی است. نگاه به نامحرم یک لحظه است ولی بیا طول عذابش را ببین. حضرت امیر (ع) می

فرماید: «كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةً أَوْرَثَتْ حُزْناً طَوِيلًا» پیامبر اسلام می فرماید: «من مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ»

هیچ عاقلی برای لذت اندک عذاب طولانی را نمی خورد.

ثانیا واجبات هم لذت دارد و لذت واجبات قابل مقایسه با لذت محرمات نیست. ولی یک نکته اساسی اینجاست و آن این است که لذت گناه ، معرفت نمی خواهد حیوان بودن کافی است. غریزه کافی است ولی درک لذت واجبات که فوق العاده است ، شعور و معرفت می خواهد. و معرفت داشتن کار هرکس نیست و هنر می خواهد.

روزی حضرت موسی بن عمران(ع) در راه به جوانی بی ادبی برخورد کرد. آن جوان در کمال وقاحت و

بی شرمی گفت:

ای موسی! من آنچه را خدای تو گفته به جا بیاور، انجام نخواهم داد و آنچه را که امر کرده ترک کنم، به جا خواهم آورد. از طرف من به او بگو که تو هم به هر نحوی می خواهی مرا عقوبت کن.» حضرت موسی(ع) از او صورت برگرداند و به راه خویش ادامه داد تا این که روزی در حال مناجات، خداوند متعال به او فرمود: «ما پیغام آن جوان را که به تو داده بود تا به ما برسانی شنیدیم گرچه تو شرم داشتی که آن پیغام را به ما برسانی. از طرف ما نیز این پیام را به آن جوان برسان و به او بگو ما تو را به عقوبتی مبتلا ساخته ایم که بالاتر از آن تصور نیست. اما اکنون درد آن را درک نمی کنی. روزی درد آن را می فهمی که راه گریزی برایت نیست. حضرت موسی(ع) عرض کرد: پروردگارا! من آن جوان را بسیار سرحال و خرسند دیدم و در او هیچ گونه گرفتاری مشاهده نکردم. خطاب شد: ای موسی! هر گاه من به بنده ای غضب کنم، بزرگترین عقوبتی که به او می کنم، آن است که لذت عبادت خود را از او می گیرم تا در اثر عدم لذت از عبادت من را ترک عبادت کند و مستحق عقوبت دائم و خلود در آتش جهنم شود و این جوان را به چنین عقوبتی مبتلانموده ام، ولی اکنون متوجه نیست و به زودی متوجه خواهد شد.

در مقابل بندگان خالص خدا از عبادت لذتی می برند که هیچ لذت دنیوی نمی تواند جای آن را پر کند.

در روایت وارد شده است که خطاب به خدای متعال می فرماید: «يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَأْنَسَةِ»

یعنی ای کسی که شیرینی مناجات، شیرینی دعا و نماز را به دوستان خودت چشاندی! معلوم می شود دوستان خدا فقط از خوردن و آشامیدن و اطفاء شهوت لذت نمی برند؛ بلکه از دعا و نماز هم لذت می برند.

در روایت می خوانیم، بعضی ها وقتی به بهشت می روند، غرق در عالم رحمتند. هفتصد سال حورالعین که خدا برای آنها فرستاده سرگردانند. بعد حورالعین شکایت می کند. می گوید: خدایا! مگر مرا برای این خلق نکردی؟ این هیچ اعتنا به من ندارد. خطاب می شود: بگذار غرق در عالم رحمت باشد. این عاشق من است.

خطبه دوّم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون و لا يحصى نعمائه العادون و لا يؤدّي حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم و لا يناله غوص الفطن ثم الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد

اللهم صل على علي اميرالمومنين وعلى فاطمه سيده النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وعلى علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي والحججه القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره والمستشهادين بين يديه

اسغفرالله لي و لكم من جميع الذنوب و الآثام و اتوب اليه

امروز یکی از بلاهای خانمان سوز که دامن بشریت را گرفته است حرص و ولع افراطی در وجود سیاستمداران و صاحبان قدرت است که مردم نیز کم و بیش بر آن مبتلا هستند.

پول دوستی ، مقام دوستی ، شهرت طلبی ، حرص و ولع بر جمع آوری کردن مال دنیا. سیاستمداران و حکام قدرتمند می خواهند کشورها را یکی پس از دیگری تحت فرمان خود درآورند. خودشان در غرب هستند می خواهند ملتهای شرقی را تسخیر کنند. عده ای مقاومت می کنند جنگ و خون ریزی شروع می شود.

در شهرها به خاطر دنیا و در روستا ها به یک متر زمین زراعی مردم با هم درگیرند و اختلاف به وجود آمده است. روز عید قربان روز معالجه این دردهاست.

عید قربان که در اسلام این همه ارزش دارد به خاطر این نیست که یک حیوانی ذبح می شود و یا مردم گوشت می خورند. کشتن حیوان ، ارزشی ندارد . ارزش قربانی به این است که انسان طمع خویش را بکشیم. حرص و ولع را ذبح کنیم. کینه و حسادتها را بر طرف کنیم.

شما دقت فرمایید که کشتن اسماعیل آیا خوب است ؟ کشتن یک انسان که بسیار مذموم است. ولی وقتی خدای متعال دستور می دهد تا اندازه و قدر عبودیت و تسلیم و اطاعت حضرت ابراهیم علیه السلام ظاهر شود ، آن وقت ذبح قربانی مقدار و اندازه ی بندگی را نشان می دهد.

خدایا تا اندازه بنده ی توئم که اگر به کشتن فرزندم دستور دهید اطاعت می کنم. آن وقت حضرت ابراهیم برای مردم الگو می شود. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ»

خدای متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را ببینید به او دستور دادم تنها فرزند جوانش را به دستور من ذبح کند و او انجام داد ، شما نیز بنده ی من هستید به شما نیز دستوراتی به مراتب آسان تر از قربانی اسماعیل داده ام ببینم چقدر بنده ی من هستی.

ابراهیم علیه السلام گوسفندان بسیار و بی حد داشت، روزی در صحرا در نزد گوسفندان بود، جبرئیل از گوشه ای با صدای خوش گفت: «سبوح قدوس رب الملائكة و الروح.»

ابراهیم علیه السلام گفت: چه کسی بود که نام حبیب مرا برد، اگر یک بار دیگر نام او را ببری، ربع گوسفندانم را به تو می دهم.

جبرئیل باز همان را گفت، تا چهار مرتبه و او همه ی گوسفندانش را به او داد، پس خداوند او را خلیل خود خواند.

او به یک دستور آنهم در خواب فرزندش را داد. با یک ندا تمام مالش را داد. به ما ها صدها بار می گوید نماز بخوان ، نماز بخوان ، زکات بده ، زکات بده ، غیبت نکن ، غیبت نکن. ولی ما چه می کنیم که هرکس می تواند در باره خودش قضاوت کند.

اگر ما این درسها را از عید قربان نگیریم و فقط چند تکه گوشت بخوریم در حقیقت عید نکرده ایم.